

شعر ماه

در گذر قرون و اعصار، رویداد پرافتخار غدیر از موضوعاتی است که شاعران و سرایندگان اندیشمند و چیره‌دست، از مذاهب گوناگون درباره آن قصیده‌هایی زیبا و دل‌انگیز سروده‌اند. این اشعار همواره زینت‌بخش نشست‌های دینی، فرهنگی، انسانی و اخلاقی بوده و دوستداران امامت و ولایت، غدیر را هر بامداد و شامگاه زمزمه کرده و بدان مترنم شده‌اند.

در طول تاریخ نیز، در کنار اسناد و مدارک حدیثی و تاریخی دیگر، شعر غدیر که توسط شعرای قرن‌های مختلف سروده شده، در حفظ این واقعه اثر بسزایی داشته است. هفته‌نامه افق حوزه، در اولین جلسه از سلسله جلسات علمی و فرهنگی «مهمان ماه»، در نشست با استاد فرهیخته حجت‌الاسلام والمسلمین علی نظری‌منفرد، به بررسی موضوع غدیر در آیین‌ه شعر شاعران بزرگ قرن اول تا سوم هجری پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

- عید غدیرخیم عید بزرگ اسلامی**

عید سعید غدیرخیم را که از اعیاد بزرگ اسلامی است، به همه مسلمانن تبریک عرض می‌کنم. در روایت از حضرت هادی علیه راجع به اعیاد سؤال شد که فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْيَادُ أَرْبَعَةٌ لِلشَّيْخَةِ: الْفِطْرُ وَالْأَضْحَى وَالْعَدِيرُ وَالْخُفْعَةُ» (بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۱؛ اعیاد چهار روز هستند: عید قربان، عید فطر، جمعه و عید غدیرخیم. سائل می‌پرسد: در میان این اعیاد چهارگانه کدام یک افضل است؟ امام فرمود: عید غدیرخیم؛ روزی که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله برای استمرار رسالت، امیرالمؤمنین علیه را که از ابتدای بعثت او را به‌عنوان وزیر خودش در یوم‌الدار معرفی کرده بود، در یک اجتماع بی‌نظیری که به‌قول تاریخ‌نگاران شاید تعداد مسلمانن بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر بودند، در منطقه غدیرخیم، به‌عنوان جانشین و ولی خود، به مردم معرفی فرمودند و دستور دادند تا همه مردم با امام علی علیه بیعت کردند و به ایشان به‌عنوان امیرالمؤمنین سالم کردند. واقعه غدیرخیم در ۱۸ ماه ذی‌الحجه سال دهم هجری در نزدیکی «میقات جحفة» اتفاق افتاده است. به‌دلیل اهمیت تاریخی و زمان و مکان این رویداد، عید غدیرخیم مورد توجه نگارندگان رویدادهای تاریخی بوده است. شاید تعبیر کمیت زیباترین تعبیر باشد که گفت:
ولم أر مثل ذاك اليوم يوماً
ولم أر مثله حقاً أُضيعا
(و من روزی مثل آن روز را ندیدم و حقی مانند آن ندیدم که ضایع شده باشد).

- جایگاه شعر و ادب در ثبت وقایع مهم تاریخی**

برای ماندگار شدن یک حادثه، لازم است از جهات مختلف اقدام شود. از جمله آنها سؤال سؤال‌کنندگان و یا ثبت ماجرا توسط تاریخ‌نگاران و همچنین شعر شاعران در خصوص واقعه است. در گذشته امکانات رسانه‌ای به‌مانند امروز وجود نداشته است و اطلاعات مردم به‌طور معمول از منابع محدودی به‌دست می‌آمده و حکومت‌ها هم در آن نقش داشته‌اند. بنابراین در دوران گذشته، شعر و شاعری نقش مهمی در اطلاع‌رسانی راجع به یک رویداد و ماندگاری آن داشته است؛ یعنی هم وقوع حادثه را به اطلاع مردم می‌رسانده و هم برای ماندگاری یک رویداد، نقش اساسی به عهده داشته است.
بالاخر از این، در گذشته شاعران نقش اساسی در مدح یک شخص و بالا بردن عظمت او داشته‌اند و یا اینکه شخصی را مورد ذم قرار می‌داده‌اند و شعر از این جهت نیز، جایگاه بسیار با اهمیتی داشته است.

مرحوم شیخ کاظم آزری رحمته الله (۱۲۱۲–۱۱۴۳ ق) که از شاعران قرن دوازدهم و سیزدهم است که هم دیوان و هم الفیه‌ای دارد، در الفیه‌اش می‌گوید:

وبخم ماذا جرى يوم خم
تلك أكرومة أبت أن تضاهي
ذاك يوم من الزمان أبانت
معالج الحق فيه عن مقتداها
إذرق منبر الحدائق هاد
طاول السبعة العليی برفاها
در ماجرای غدیرخیم کرامتی که نظیر نداشت، اتفاق افتاد. درست هم گفته است. در راه بازگشت از حج و در منطقه‌ای که مردم از نظر جغرافیایی از یکدیگر جدا می‌شده‌اند؛ یعنی کسانی که به سمت مدینه و یا به دیگر سرزمین‌ها می‌رفته‌اند، در محل جحفة غدیر از یکدیگر جدا می‌شده‌اند. اینجا بود که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله مأمور شدند که «**يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا آتَاكَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ**». (ماند/ ۶۷)
آن‌قدر واقعه غدیر حائز اهمیت است که خداوند به رسولش فرمود که اگر این مسئله را ابلاغ نکنی، رسالت را تمام نکرده‌ای. همچنین تصریح شده: این آیه و دیگر آیاتی که در سوره مبارکه مانده است، در روز غدیر نازل شده‌اند. مانند آیه «**لَا تُؤْمُّ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا**». (ماند/ ۳)
از این جهت شعرا و اشعار آنها در رابطه با غدیر وجود دارد.

- عنایت ویژه اهل بیت علیهم السلام به شعر و شاعران روشن‌گر**

نکته دیگر راجع به شعر این است که شعر عامه‌نثر

حماسه غدیر

قرن اول تا سوم هجری

حجت‌الاسلام و المسلمین علی نظری‌منفرد



همان لفظ است، با این تفاوت که شعر، موزون است و به‌دلیل همین وزن، در نفوس تأثیر بیشتری دارد. در این راستا وجود مقدس پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام عنایت ویژه‌ای به مسئله شعر در خصوص مسائلی که باید ماندگار می‌شدند، داشته‌اند. همچنین محتوای شعر هم، اهمیت دارد. گاهی محتوای یک شعر، بیان یک حادثه یا رویداد است. همچنین گاهی محتوای شعر توصیف یا وصف خوب و بد است. گاهی محتوای شعر تخیل است و گاهی هم تشبیه است. به‌طور معمول شعر از تشبیه اعم از محسوس به محسوس، معقول به محسوس، محسوس به معقول و معقول به معقول زیاد استفاده کرده‌اند. گاهی موضوع شعر مربوط به یک رویداد خارجی مانند واقعه غدیر است.

- نگاهی گذرا به شاعران غدیر در سه قرن اول هجری**

الف) شعر غدیر در قرن اول هجری

- امیرالمؤمنین علیه**

در این محفل حدود ده شعر تا قرن سوم را ذکر خواهیم کرد و از خود آقا امیرالمؤمنین علیه آغاز می‌کنیم. ایشان غدیر را در کلمات و اشعارشان آورده‌اند. البته اولین شعر در رابطه با واقعه غدیر، سروده شخص دیگری است؛ اما چون موضوع غدیر ولایت امیرالمؤمنین علیه است، ابتدا اشعار ایشان را ذکر می‌کنیم.
روزی امیرالمؤمنین علیه در جمع اکابر اصحاب رسول‌خدا صلی الله علیه و آله حاضر شدند. هر یک از آنها نسب خود و تاریخ اسلاهاشان و یا فعالیت‌های خود در طول رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را در خدمت ایشان و در جهاد انجام داده بودند، ذکر می‌کردند. آنها از حضرت خواستند، تا فضائل و مناقب خودشان را بیان کنند. ایشان در پاسخ اشعاری را ایراد فرمودند که در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه آمده و قندوزی حنفی در بنایبع‌المؤدّه و ابونعیم اصفهانی هم این اشعار را ذکر کرده‌اند.
لَقَدْ عَلِمَ الْأَكَاثُ بِأَنَّ سَهْمِي مِنَ الْإِسْلَامِ يُفْضَلُ كُلِّ سَهْمٍ
مردم می‌دانند که سهم من در اسلام بر هر سهمی بتری دارد

وَأُحْمَدُ النَّبِيُّ أَحْيَى وَصْهْرِي عَلَيْهِ اللَّهُ صَلَی وَاِنَّ عَمِّي رسول‌خدا برادر من است و من داماد پیامبرم که خداوند متعال بر او درود فرستاده و او پسر عم من است.

لذاک اقامنی لهم اماما
واخبرهم به بغدیرخیم
آن بزرگوار من را برای مردم امام معرفی کرد و در غدیرخیم به این مسئله خبر داد

- حسان بن ثابت انصاری**

دومین شاعر حسان بن ثابت انصاری است. او از انصار و از معمرین در اسلام است که شصت سال قبل از اسلام و همچنین شصت سال بعد از اسلام زیست کرده است و ۱۲۰ سال سن داشته و همچنین شاعر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله بوده و در جنگ‌ها به‌جهت ترغیب مسلمانن به جهاد شعر می‌گفته است. او در همان روز غدیر و بعد از نصب امیرالمؤمنین علیه این واقعه را در قالب نظم ذکر کرد و بعد از اینکه اشعارش را خواند، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «مادامی که از حق دفاع کنی مؤید باشی»^۱. حسان می‌گوید: پیامبر فرمود: «من به پایان عمر رسیده‌ام و نزدیک است که دعوت حق را لبیک بگویم» و بعد فرمودند: «ایها الناس، مَنْ أَوَّلِي بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: لا» و رسول صلی الله علیه و آله فقال: ألا من كنت مؤلّا فهذا علي مؤلّا». به‌تعبیر شیخ مفید در کتاب شریف الارشاد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آلست اولی من انفسکم؟ قالوا بلی یا رسول‌الله! أخذ بأفضل بید امیرالمؤمنین و قال من كنت مؤلّا فهذا علي مؤلّا». دعایی در ذیل این روایت هست که ابن‌کثیر(السيرة النبوية، ج ۴، ص ۴۱۹) و ذهبی (البدء والنهایة، ج ۵، ص ۲۳) و دیگران نه‌تنها حدیث غدیر بلکه دعایی را که در ذیل حدیث غدیر آمده است، نیز ذکر می‌کنند و صحیح می‌دانند که حضرت فرمود: «**اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصِرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ**».

حسان بن ثابت به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: اجازه

در آیین‌ه شعر شاعران بزرگ

قرن اول تا سوم هجری

ابن ابی‌الحدید معتزلی این اشعار را در شرح نهج‌البلاغه ذکر کرده است. معاویه بن ابی‌سفیان خراج مصر را از او مطالبه کرد و او قبول نکرد و گفت: فرارمان این بود که من تا زنده هستم، در مصر باشم. باید بدانیم کسانی که پیوند خود را با خدا قطع می‌کنند و به سراغ دنیا می‌روند، در نهایت ناکام می‌مانند و دنیا آنها را کامیاب نمی‌کند. در تاریخ آمده که بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه در سنه ۴۰ هجری، عمروعاص به مصر رفت؛ اما به فاصله سه سال اجل او فرا رسید و بهر‌ای از حکومت مصر نبرد. به این اشعار «القصيدة الجلیجیة» می‌گویند؛ چراکه یک کلمه جلجل در آخر اشعار وجود دارد و او این قصیده را در پاسخ معاویه گفته که من در برابر چنین شخصی با چنین فضیلتی با تو متحد شده‌ام و حال تو خراج مصر را از من مطالبه می‌کنی؟ او در این اشعار خطاب به معاویه می‌گوید:

معاویة الحال لا تنجھل
وعن سئل الحقی لا تعدِل
و در ادامه این قصیده می‌گوید:

و کم قد سمعنا من المصطفی
وصایا مخصّصة فی علی
وفی یوم ختم رفی منبراً
یُبلّغُ والربک لب لم یرحل
مرحوم علامه امینی رحمته الله این اشعار را در جلد دوم الغدیر صفحه ۱۷۳ ذکر کرده و ابن ابی‌الحدید هم، بخشی از آنها را در شرح نهج‌البلاغه ذکر کرده است.

- محمد بن عبدالله حمیری**

پنجمین شاعری که از او اشعاری در خصوص غدیر ذکر می‌کنیم، محمد بن عبدالله حمیری است و او غیر از سید حمیری و معاصر عمروعاص بوده است. سید حمیری از شعرای قرن دوم حجری است. محمد بن عبدالله در شرح غدیر می‌گوید:

بَحَقِّ مُحَمَّدٍ قَوْلُوا بِحَقِّي فَإِنَّ الْإِقَامَ مِنْ بَنِيهِمُ اللَّيْلَامِ
قسم می‌دهم و می‌گویند: به‌حق محمد صلی الله علیه و آله حرف حق را بگویند که افک و نسبت ناروا از اخلاق افراد دون‌مایه است

و در ادامه می‌گوید:

تَنَاسَوْنَ نَصْبَةَ فِي يَوْمِ «حُم»
مِنَ الْبَارِي وَمِنْ خَيْرِ الْأَآمِ
آیا دشمنان نصب امیرالمؤمنین علیه در روز غدیر را فراموش کرده‌اند

حمزوی صاحب فرزندالسطین که استاد ذهبی است و عالم طراز اول خراسان در عصر خودش بوده، این اشعار را ذکر کرده است.

- شعر غدیر در قرن دوم هجری**

- کمیت بن زید اسدی**

تا اینجا شعرای قرن اول هجری را ذکر کردیم و از شعرای قرن دوم، اولین نفر کمیت بن زید اسدی است که از شعرای عصر امام سجاد علیه است و حضرت امام باقر و امام صادق علیهم السلام را هم درک کرده است. بخشی یا تمامی عمیر کمیت تا شهادت او که سنه ۱۲۸ هجری است، در دوره بنی‌مروان و بنی‌امیه بوده و اشعار عجیبی را در آن عصر سراسر خفقان دارد. از او سؤال می‌کردند، آیا نمی‌ترسی این اشعار را می‌خوانی؟ در زمانه‌ای امام صادق علیه وقتی به ابوعماره منشند فرمودند: شعر بخوان! و دستور دادند، ام‌فروه دخترشان بیایند و بنشینند تا اشعار ابوعماره را راجع به أباعبدالله‌الحسین علیه بشنوند، ابوعماره اشعاری را خواند و مردم مدینه آمدند و اجتماع کردند و سؤال کردند: این صدای گریه از چه جهت است و چه خبر است؟ این سؤال مردم، نشان می‌دهد که وضعیت نقیه حاکم بوده است.

متن روایت: «**سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي ذَاوُدَ الْمُشْتَرَقِ عَنْ شُعْبَانَ بْنِ مُضْعَبٍ الْعَبْدِيِّ قَالَ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه فَقَالَ: قَوْلُوا لِمَ قَوَّيْتُ نَجِيءُ فَتَشَبَّهْتُ مَاضِيَةَ بَجْدَها قَالَ: فَبَءَاثُ قَعْدَتِ خَلْفَ النَّبِيِّ ثُمَّ قَالَ: أَنْيَذُنَا قَالَ: قُلْتُ قَرُّوْ جُودِي بِدُعَائِكَ الْمَشْكُوبِ قَالَ: فَصَاحَتْ وَصَحْنُ الْنِسَاءِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه الْآيَاتُ الْآيَاتُ فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْآيَاتِ قَالَ: فَبَعَثْتُ إِلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه صَبِيحٌ لَنَا غُثَيٌّ عَلَيْهِ قَصِيخُنَ الْنِسَاءِ»**

(الكافي جلد۵، صفحه۳۱۵)

سفیان بن مصعب عبدی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه رسیدیم. حضرت فرمود: به ام‌فروه بگویید، بیاید و بشنود که با جدش چه کردند! سفیان می‌گوید: ام‌فروه آمد و در پس پرده بنشست. سپس امام صادق علیه به من فرمود: برای ما سوگ سروده‌ای بخوان! او می‌گوید: گفتیم: ای ام‌فروه! اشک از دیده همی بیباران! ام‌فروه که این بیت را شنید، شیون کرد و زنان نیز شیون سرداندند. امام صادق علیه فرمود: در خانه، اهل مدینه بر در خانه‌گرد آمده بودند. امام صادق علیه شخصی را نزد آنان فرستاد و او به مردم گفت: کودکی از ما غش کرده و مردم بدین سبب می‌نالند.

این مسئله نشان می‌دهد، چه وضعیت خفقانی حاکم بوده است. در این اوضاع شاعری مثل ابوعماره اشعار عجیبی مانند اشعار میمیات دارد که حدود ۵۷۲ بیت است و آنها را خدمت امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام خوانده است. به او گفتند: این اشعار را نخوان و او گفت: من سی سال است که چوبه دار را به‌همراه خودم دارم. از اشعار میمیات ابوعماره به هاشمیات تعبیر

می‌شود که از جمله آنهاست:

وَيَوْمَ الدُّلُوحِ دُوحَ غَدِيرِخُمِ
أَبَانَ لَهُ الْوَلَايَةُ لَوْ أُطِيعَا
کراچکی در صفحه ۱۵۴ «کنزالفوائد» به اسناد خود از «هنادبن سری» روایت کرده است که گفت: امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه را در خواب دیدم. به من فرمود: ای هنادا! گفتم: لبیک، ای امیرمؤمنان! فرمود: آن شعر کمیت را برایم بخوان که با این بیت شروع می‌شود: من خواندم و او فرمود: ای هنادا! گوش فراده. گفتم: بفرما سرور من! فرمود:

ولم أر مثل ذاك اليوم يوماً
ولم أر مثله حقاً اضيعاً
علامه امینی رحمته الله در جلد دوم الغدیر می‌فرماید: خود کمیت امیرالمؤمنین علیه را در خواب دیده و این بیت را حضرت در خواب به خود او بیان کرده‌اند. ایشان نقل می‌کنند که برخی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیده‌اند که از آنها خواسته، اشعار کمیت را بخوانند و بعد از خواندن این اشعار، پیامبرخدا صلی الله علیه و آله خیلی گریه کرده‌اند و فرموده‌اند: «ولم أر مثله حقاً اضيعاً»

- سید اسماعیل حمزری (عمان ۱۵– بغداد ۱۹۱۷)**

هفتمین شاعر غدیر، سید حمیری است که در عصر امام صادق علیه زندگی کرده است و دارای شخصیت بزرگی است. او کسی است که بر اساس نقل، یک وقتی به کوفه آمد و گفت: اگر کسی منتقبتی از امیرالمؤمنین علیه برایم بیان کند که من در قالب نظم بیان نکرده باشم، تمام آنچه را به‌همراه دارم، به او می‌دهم. ایشان در رابطه با روز غدیر می‌گویند:

يا بائعَ الدِّينِ بدنيْناه
ليس بهذا أَمْوَالُ اللَّهِ
من أين أَعْضَتِ عليّ الوصيّ
وأحمدُ قد كان يرضاه
من السّدى أحمدُ من بينهم
يومَ غدِيرِ الحُجَمِ ناداهُ
ایشان دو قصیده راجع به غدیر خم دارد. قصیده ذهبیه ایشان را مرحوم سیدمرتضی علم‌الهدی شرح کرده است.

- ابو محمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی**

نفر هشتم عبدی کوفی است. در برخی روایات آمده که «یا معشرالشیعه! علما اولاکم! شعرالعبدی فانه علی دین‌الله، تفسیر نورالتقلین، جلد۴، صفحه۷۱» ای جماعت شیعه! به فرزندانتان شعر «عبدی» را یاد دهید؛ همانا او بر دین و آیین خداست.

او از شعرای مهم عصر خودش بوده است و اشعار بسیار خوبی دارد و برخی از قصاید او، نزدیک به یکصد بیت است. او راجع به غدیرخیم از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:

إِنِّي نَصَبْتُ عَلَيَّاهَا عَلِماً
بعدي وإنّ عليّاً خيرُ مُنْتَصِبٍ
فيا ميسرةُ وكلِّ باسطٍ يدهُ
إليك من فوق قلبِ عنك مُتْقَلِبُ
(برای مشاهده متن کامل شعر به کتاب الغدیر فی‌الکتاب والسنة والأدب، ج ۲، ص: ۲۱۱ مراجعه‌شود).

- شعر غدیر در قرن سوم هجری**

۱. **ابوتمام حبیب بن اوس طائی حورانی جاسمی** (۲۳۱–۱۹۰ ه)
شاعر نهم ابوتمام طائی است که از شعرای مهم غدیر است و می‌گوید:

ويوم الغدير استوضح الحقُّ أهلهُ
بصحياءٍ لافيهـا حجاب ولا ستر
أقسام رسول الله بدعوهمُ بها
ليغترهمُ عُرفُ وبنَاهُم نُكُـر
(برای مشاهده متن کامل شعر به کتاب الغدیر فی‌الکتاب والسنة والأدب، ج ۱، ص: ۶۱۱ مراجعه‌شود).

- دعبل بن علی خُراسی** (۱۲۸–۲۴۶ ق)

دهمین شاعر غدیر دعبل است. دعبل معاصر حضرت رضا علیه است و تألیفات او را شنیده‌اید که می‌گوید:

مدارس آیات خلت من تالوة
ومنزل وحی مقفرالعراضات

که مشتمل بر ۱۲۱ بیت است و این اشعار را در مرو خدمت حضر امام رضا علیه خواند و حضرت به گریه افتادند و به او صله مرحمت کردند. هنگامی که دعبل گفت:

أرى فينهم في غيرهم متقسما
وأبدیهم من فينهم صفرات
حضرت با شنیدن این مصیبت بر مظلومیت آل محمد صلی الله علیه و آله گریه کرد و فرمود: راست می‌گوینی و دعبل در ادامه می‌خواند:

اذا و ترا مدوا الی و اترپهم
اکفا عن الأثوار منقبضات

که حضرت باز هم تأیید فرمودند. در ادامه بیتی راجع به امام زمان علیه دارد که می‌گوید:

خُروجُ إمامٍ لِمَحَالَةٍ خارجٍ
يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّاتِ
اینجا حضرت رضا علیه فرمودند: روح‌القدس این شعر را به زبان تو جاری کرد. تا اینکه دعبل به این ابیات رسید:

فان جئنا ذاك الغدیر شهيدَهُ
ويذكر وأحدُ شامخِ الهضبات
شعرای بنام برای ماندگاری این حادثه عظیم تلاش کرده‌اند؛ درحالی‌که به فاصله هفتاد روز بعد از این واقعه بزرگ، این واقعه به فراموشی سپرده شد.

تنظیم: حمیدکرمی

- پی‌نوشت‌ها**

۱. فرات بن احنف می‌گوید: از امام جعفر صادق علیه پرسیدم: فدایت شوم! آیا مسلمانان عیدی بالاتر از عید فطر و عید قربان و روز جمعه و روز عرفه دارند؟ امام فرمود: آری! بالاترین و بزرگترین و شریف‌ترین اعیاد روزی است که خدا دین را در آن روز کامل گردانید و این آیه را بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت تكميلكم بمعنى ورضيت لكم الاسلام دينا».

سؤال کردم: آن چه روزی است؟

فرمود: انبیای بنی‌اسرائیل وقتی وصیت و امامت را به نفر بعد از خودشان واگذار می‌کردند، آن روز را عید قرار می‌دادند و این روز هم روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را رهبر مردم قرار داد و در آن روز چیرهایی نازل شد و دین کمال یافت و نعمت بر مومنان تمام گردید.

عرض کردم: در این روز چه کاری شایسته است، انجام دهم؟

امام فرمود: این روز، روز عبادت و نماز و روز شکر و سیاس خدا و مسرت به‌خاطر ولایت ما بر شما از جانب خداست. من دوست دارم این روز را روزه بگیرید. (التهنئة لعبدالحسین، الغدير، ج ۱، ص ۲۸۵).

۲. رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در مورد حسان فرمود: «اللهم ایده بروح القدس» [این حجر عسقلانی (الصابغة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۵۵)، خدایا او را مورد تأیید روح‌القدس قرار بده. به نظر می‌رسد، این گفته به‌صورت مشروط بیان شده باشد؛ چراکه بسیاری از دانشمندان قائل اند پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «ای حسان تا وقتی که از ما دفاع کنی، مؤید به تأییدات روح‌القدس خواهی بود؛» [طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۴۳۳] البته این دعا به‌صورت‌های مختلفی بیان شده است. در یک مورد از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که در مورد او فرمود: «اللهم ایده بروح‌القدس لمناضلته عن المسلمین» [ابن‌عبدالبر، الاستيعاب، ج ۱، ص ۳۴۵]؛ خدایا حسان را با روح‌القدس مورد حمایت و تأیید قرار بده، به‌خاطر حمایت او از مسلمانان. در نقلی دیگر آمده: «ان الله یؤید حسان بروح‌القدس ما نافع عن رسول‌الله» [ابن‌الثیر، الاعداب، ج ۱، ص ۴۸۲]؛ «خداوند حسان را مورد حمایت و تأیید روح‌القدس قرار دهد تا زمانی که از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله پشتیبانی کند».